



26 دسمبر 2014



داکتر سيد عبدالله کاظم

## مقدمات تجاوز شوروی بر افغانستان (به مناسبت سی و پنجمین سالگرد این رویداد شوم)

در پهلوی بعضی دلایل قوی و یا ضعیف مبنی بر تجاوز عریان شوروی به افغانستان که فقط 9 ماه بعد از قیام هرات صورت گرفت، یکی از قویترین دلایل همانا سیاست توسعه جویانه آن کشور بود که اساساً از زمان پطر کبیر آغاز گردید و روسیه آنوقت در طول یک و نیم قرن «بازی بزرگ» قدم بقدم ساحه تسلط خود را از شمال بطرف سرزمین های جنوب وسعت داد و یکی را بعد دیگر به تصرف درآورد. این سیاست توسعه جویانه که هدف قدیمی آن رسیدن به آبهای گرم بخرهند بود، حتی پس از ایجاد دولت شوروی یک قرن بعد بار دیگر در اجندای توسعه جویانه شوروی قرار گرفت. به زعم یک عده صاحب نظران اقدام نظامی شوروی در افغانستان در 26 دسمبر 1979 ادامه همان هدف دیرینه بود که بعد از سالها انتظار و تلاش در جهت گسترش نفوذ تدریجی، دفتراً بیک عمل نظامی منتهی شد و اولین قدم در اجرای طرح «تسلط بر منطقه»، پیشرفت بسوی «آبهای گرم بخرهند» و دسترسی به نخائر سرشار نفتی شرق میانه بود که به بهانه ای رویدست گرفته شد. اینکه شوروی دلیل اعزام قوای «محدود!!» خود را به افغانستان مبتنی بر تقاضای کمک نظامی از طرف دولت افغانستان (!!!)، تعهد دولت شوروی برای کمک بر طبق معاهده دوستی و همکاری که بین دو کشور بتاريخ 5 دسمبر 1978 در مسکو امضا شده بود و نیز به دلیل دفاع از خود در برابر تهاجم مسلحانه خارجی (!!!) بر طبق ماده 51 منشور ملل متحد وانمود میکرد، فقط روپوشهای سیاسی بودند که میخواستند اهداف توسعه جویانه خود را از نظر جهانیان پنهان کنند. دلایل فوق که ساخته و پرداخته «دکتورین برژنیف» مبنی بر «برگشت ناپذیر بودن نفوذ شوروی در سرزمینهای اشغالی و یا تحت نفوذ» بود، نه برای جامعه جهانی قابل توجیه بود و نه برای کشورهای بلاک «شرق»، حتی در داخل شوروی نیز به نظر شک و تردید دیده می شد. (هیمن، انتونی: افغانستان زیر سلطه شوروی 1964 - 1983، ترجمه اسدالله طاهری، چاپ سوم، 1367 - صفحه 237 - 239)

بهر حال بررسی چگونگی و انگیزه های تهاجم شوروی به افغانستان به حیث یک هدف ستراتیژیک و طول المدت یک بحث وسیع است که در این مختصر نمی گنجد، اما آنچه زمینه این تجاوز را به حیث یک اقدام عاجل برای شوروی مطرح ساخت، همانا قیام بزرگ (24 حوت 1357) هرات بود که بعد از گذشت 9 ماه از آن منجر به تهاجم قوای شوروی به افغانستان گردید. در این باره اسنادی بسیار محرمانه شوروی اکنون به نشر رسیده که حقایق پشت پرده را برملا می سازد و نشان میدهد که قیام هرات در داخل حلقه خاص سران شوروی از چه اهمیت برخوردار بوده و چگونه این حادثه مقدمات شوروی و رژیم کابل را دچار نگرانی جدی ساخت تا برای حفظ رژیم از خطر سقوط دست بکار شوند.

در این ارتباط توجه را به نقاط عمده دو سند مهم معطوف میدارم که هر یک حائز اهمیت خاص تاریخی میباشد: رونوشت جریان صحبت دوجلسه اضطراری بیرونی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی مورخ 17 و 18 مارچ 1979 و جریان مکالمه تلفونی کاسیگین با تره کی که در فاصله میان این دوجلسه صورت گرفته بود. (اسناد فوق در دو کتاب نشر شده اند: یکی در کتاب «ارتش سرخ در افغانستان»، نوشته گروموف، ترجمه عزیز آریانفر و دیگر در کتاب «افغانستان و اتحاد شوروی» که مشتمل بر اسناد آرشیف های روسیه و آلمان شرق به زبان انگلیسی میباشد و توسط عبدالعلی نور احراری به دری ترجمه شده است).

### جلسه اضطراری بیرونی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی:

هنوز قیام بزرگ هرات در سومین روز خود قرار داشت که بتاريخ 17 مارچ 1979 (27 حوت 1357) بیرونی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی جلسه اضطراری را دائر کرد و پیرامون اوضاع مغشوش هرات به بحث پرداخت که نقاط مهم بیانات بعضی از اعضای جلسه را که از روی اسناد منتشره اقتباس گردیده است، در اینجا از نظر میگذرانیم:

- **کرلینکو:** «لیونید ایلیچ برژنیف از ما خواسته است که امروز در این ساعت نا مناسب جلسه بیرونی سیاسی را برگزار کنیم و برژنیف فردا در جلسه اشتراک میکند تا آنکه درباره حالاتی که در جمهوری دموکراتیک افغانستان پدید آمده است، بحث و مذاکره کنیم. حالت فوری است... شاید ما اول از رفیق گرومیکو بشنویم.»
- **گرومیکو:** «نظر به تازه ترین گزارشاتی که از طریق مخابرات از افغانستان توسط رفیق جنرال گوریلوف سرمشاوری نظامی ما و رفیق الکسیف مسؤل موقت در آنجا دریافتیم، حالات افغانستان به شکل وخیم روبه خرابی نهاده است. مرکز این نا آرامی ها

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پاوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در این وقت شهر هرات میباید. تا آنجا که از ارتباط مخابراتی قبلی معلوم است، فرقه 17 اردوی افغان که در آنجا مستقر است، نظم و آرامش را حفظ کرده است، لیکن خبری که اکنون به ما رسیده حاکی از فروپاشی این لشکر است... شمار شورشیان را مشکل است تعیین کرد، لاکن رفقای ما گفته اند که هزاران نفر، فقط هزاران نفر... ما از رفقای خود گزارشاتی دریافتیم که هرج و مرج و آشوب در هرات بالا گرفته است... و رفیق تره کی، رفیق گوریلوف سرمشاور نظامی ما و رفیق الیکسیف مسؤل موقت را نزد خود فرا خوانده... و برای دریافت تجهیزات نظامی به شوروی روی آورده است... باید قابل فهم بود که وی اعزام نیروهای ما را یعنی نیروهای هوایی و زمینی را تقاضا کرده است. از دیدگاه من موضوع کمک به افغانستان را، ما باید بطور اصولی طرح و مورد غور و بررسی قرار دهیم، البته با این هدف که تحت هیچ شرایطی افغانستان را از دست نمی دهیم. ما برای شصت سال با افغانستان در صلح و دوستی بسر برده ایم و حالا اگر افغانستان را از دست بدهیم، این چرخشی است برضد اتحاد شوروی و ضربه شدیدی برخلاف پالیسی ما میباشد. البته یک مسئله این است که معیارهای افراطی را بکار گیریم، اگر اردوی افغان از مردم حمایت کند، این مسئله کاملاً فرق میکند و اگر اردو از حکومت قانونی حمایت نکند و سر انجام مسئله سوم، اگر اردو برضد حکومت باشد در نتیجه برضد نیروهای ما، در انصورت موضوع واقعاً پیچیدگی پیدا میکند.»

**- اوستینوف:** «رفیق گوریلوف سرمشاور ما و رفیق الیکسیف مسؤل ما در افغانستان با تره کی مذاکره کرده اند. من فقط همین لحظه با رفیق گوریلوف صحبت تلفونی داشتم و او گفت که رهبری افغانستان در مورد اوضاع امور مشوش است و اوضاع خاصاً در ولایت هرات بسیار بد است و همچنان در ولایت پکتیا... ما به رفیق تره کی مشوره دادیم که چندین نیرو را در همان جاها که شورش برپا کرده اند، اعزام نماید. او به نوبه خود پاسخ داد که این کار مشکل است زیرا نا آرامی ها در دیگر مناطق نیز موجود است. کوتاه سخن اینکه آنها جواب قاطع از اتحاد شوروی انتظار دارند، البته در قالب اعزام قوای زمینی و هوایی.»

**- کرلینکو:** «سوال اینجا است که اگر ما نیرو به آنجا اعزام کنیم، نیروهای ما در برابر کی خواهند جنگید؟ در برابر شورشیان؟ یا اگر آنها با شمار زیادی از افراطیون مذهبی پیوسته باشند که همه مسلمان اند و در میان آنها شمار زیاد از افراد عادی؟ بنابراین ما ضرورت خواهیم داشت که برضد مردم جنگ برپا کنیم.»

**- گرومیکو:** «مناسبات میان حامیان حکومت و شورشیان هنوز روشن نیست، حوادث در هرات از هرنگاه که دیده شود یک اغتشاش آشکار است زیرا بیش از هزار نفر کشته شده است، لاکن تا هنوز اوضاع به حد کافی روشن نیست.»

**- کاسیگین:** «... ما باید به خاطر افغانستان مبارزه را تحمل کنیم، پس از همه ما به مدت شصت سال در کنار هم زیسته ایم... واضح است که ایران، چین و پاکستان برضد افغانستان اند و هر آنچه در توان دارند، بکار میگیرند تا تصامیم حکومت قانونی افغانستان را بی اعتبار سازند و به درستی همین نکته است که حمایت سیاسی ما را از تره کی و حکومت او لازمی می شمارد. البته کارتر (رئیس جمهور امریکا) نیز در برابر رهبری افغانستان قد علم خواهد کرد. در صورتیکه لازم افتد که به افغانستان نیرو اعزام کنیم، باچه کسانی ضرور خواهد بود که بجنگیم آیا با هر که در برابر رهبری کنونی افغانستان ایستادگی کند؟ آنها همه مسلمان اند، مردمی که عقیده واحد دارند و عقیده بس راسخ دارند. من لازم میدانم که باید تره کی و امین درباره اشتباهاتی که اجازه داده اند در این مدت به وقوع پیوندد، صحبت کنیم. آنها تاکنون به سیاستی ادامه داده اند که مردمی را که با ایشان موافق نبوده اند، اعدام کنند. آنها تقریباً همه رهبران را کشته اند، نه تنها رهبران دست اول را بلکه رهبران متوسط حزب پرچم را، حالا مشکل است که یک سند سیاسی را فورمول بندی کنیم... من تصور نمیکنم که درست باشد برحکومت افغان فشار بیاوریم که از ما تقاضا نماید تا به آنجا نیرو بفرستیم. بگذارید که خود آنها قطعات عسکری تشکیل کنند در هر جا که ضرورت افتد، اعزام نمایند تا در برابر شورشیان مقابله کنند... ما باید نیروهای خود را آماده نمائیم و در رابطه به آن بر روی سندی کار کنیم و آنرا توسط یک نماینده خاص ارسال داریم.»

**- اوستینوف:** «ما در رابطه به عملیات نظامی دو طرح را آماده کرده ایم. طرح اول آنست که ما میتوانیم فقط در ظرف یک روز فرقه 105 نیروی هوایی را در داخل افغانستان اعزام کنیم و غند موتوریزه پیاده نظام را در کابل پیاده کنیم و فرقه موتوریزه شماره 68 را در سرحد جابجا کنیم و غند 5 موتوری و پیاده نظام را در سرحد مستقر نمائیم. تحت این طرح ما آماده خواهیم بود که در ظرف سه روز نیرو پیاده کنیم، ولی باید عواقب سیاسی تصمیمی را که در اینجا اتخاذ میکنیم، ببندیم.»

**- کرلینکو:** «... باید این مسئله بطور کامل و همه جانبه مورد غور و بررسی قرار گیرد. ما بدون تقاضا نامه از جانب حکومت افغانستان نمی توانیم نیرو اعزام کنیم و ما باید این نکته را به رفیق تره کی برسائیم. این مسئله باید مستقیماً در کنفرانسی که بین رفیق کاسیگین و تره کی برگزار میگردد، توضیح داده شود. علاوه بر آن به تره کی باید فهماند که در روش خود تغییر آورد. اعدامها، شکنجه ها و غیره نباید به پیمان و وسیع بکار برده شود. مسائل مذهبی، مناسبات با جوامع مذهبی و عموماً با دین و رهبران دینی برای آنها معنی خاص دارد. این یک مسئله بسیار مهم در سیاست است و تره کی در اینجا با قاطعیت کامل باید اطمینان بدهد که هیچ نوع تخلف، هر چه باشد نباید از ایشان سرزند. این سند باید حداقل تا فردا آماده شود. ما با لیونید برژنیف نیز مشوره خواهیم کرد که چگونه آنرا به بهترین وجه انجام خواهیم داد.»

**- اوستینوف:** «ما طرح دومی نیز داریم که آنرا هم آماده کرده ایم. این طرح اعزام دو فرقه به افغانستان را در بر میگیرد.»

- **پونوماریف:** ... «اولتر از همه بسیار ضرور است که تمام نیازمندیهای نیروهای اردوی افغان را برآورده سازیم و فقط پس از آن مرحله، اگر واقعاً ضرورتی احساس میشود ما میتوانیم نیروهای خود را در آنجا پیاده کنیم.»
- **کاسیگین:** ... «به نظر من ضرور است که اسلحه بفرستیم و آنها در صورتیکه اطمینان یابیم که اسلحه ما بدست شورشیان نخواهد افتاد و اگر اردوی افغان متلاشی شود، آن اسلحه در دست شورشیان قرار خواهد گرفت. سپس این سوال بروز خواهد کرد که ما چگونه به افکار عمومی مردم جهان پاسخ خواهیم داد. تمام اینها باید توجیه شده بتواند، البته در صورتیکه ما بخواهیم واقعاً نیرو اعزام کنیم...»
- **گرومیکو:** «ما باید در مورد افغانستان صحبت کنیم در صورتیکه اوضاع خرابتر شود، چه باید کنیم. اوضاع امروزی افغانستان برای ما نا معلوم است. فقط یک چیز معلوم است که ما افغانستان را به دشمن سپرده نمی توانیم. ما باید فکر کنیم که چطور اینکار را کرده میتوانیم. ممکن است ما ضرورتی به اعزام نیرو نداشته باشیم.»
- **کاسیگین:** «همه ما موافقیم. ما نباید افغانستان را تسلیم کنیم. با این دیدگاه ما باید اولتر از همه به روی سند سیاسی کار کنیم تا تمام وسائل سیاسی را در جهت کمک به رهبری افغانستان بکار گیریم که آنها خود استحکام یابند و همان کمکهای را بدهیم که آنرا برنامه ریزی کردیم و اعزام نیرو را در آخرین مرحله در نظر داشته باشیم.»
- **گرومیکو:** «یکی از وظایف عمده ما اینست که اردو را تقویه کنیم. این اقدام اصلی است. تمام رهنمائی ما باید درباره رهبری سیاسی کشور و اردو متمرکز شود و رویهمرفته ما اطمینان داریم که رهبری افغان بسیار چیزها را از ما پنهان میدارد...»
- **کرلینکو:** «سخن به درازا کشید، رفقا! نظریات ما واضح است. بیائید که از آن نتیجه گیری کنیم:
- 1 - به رفیق کاسیگین صلاحیت داده شود تا اسنادی را که به ما عرضه شده است، اصلاح نماید و در آن ایزاد صد هزار تن گندم و افزایش قیمت گاز را از 15 به 25 روبل وارد کند و مسائل فیصدی ها و اسعار را از فیصله نامه دور کند.
  - 2 - به رفیق کاسیگین صلاحیت داده شود که با رفیق تره کی صحبت کند تا متیقن شود که آنها اوضاع افغانستان را چطور ارزیابی می کنند و از جانب ما کدام چیز ضرور است و در مذاکرات با رفیق تره کی رفیق کاسیگین رهنمود های حاصل تبادل نظرات را که در بیروی سیاسی بعمل آمده است، مدنظر داشته باشد.
  - 3 - موضوع سومی که ما در اینجا بر آن بحث کردیم عبارت است از اینکه به رفقا هریک گرومیکو، اندروپوف و پونوماریف صلاحیت داده شود تا سند سیاسی را با در نظر داشت تبادل نظرات در رابطه به سیاست ما در امور افغانستان ترتیب و آماده نماید.
  - 4 - به منظور جلوگیری از مداخلات پاکستان در امور افغانستان باید از طریق وزارت خارجه با آن کشور تماس گرفته شود.
  - 5 - ما باید از طریق وزارت دفاع و همچنان از طریق کا جی بی به افغانستان کمک کنیم تا مشکلات خود را رفع نماید.
  - 6 - فرستادن بهترین متخصصین نظامی را از طریق وزارت دفاع و همچنان از طریق کا جی بی به افغانستان در جهت ساختن شرایطی که بر اردوی افغان و افغانستان تأثیر داشته باشد، در نظر گیریم.
  - 7 - مسوده فیصله نامه ما باید حاوی ماده ای باشد تا مدارکی را ارائه کند که مداخلات کشورهای پاکستان، چین، ایران و امریکا را در امور داخلی افغانستان آشکار سازد و این مدارک از طریق رسانه های گروهی کشورهای جهان سوم نشر و افشا گردد.
  - 8 - رفقا هریک پونوماریف و زمبائین صلاحیت بگیرند که مدارک مربوط به مداخله پاکستان، ایران، امریکا و چین و سایر کشورها را در امور داخلی افغانستان آماده نمایند و این مدارک را برای رسانه های گروهی بفرستند تا آماده باشد.
  - 9 - ما باید محتاطانه در مورد پاسخی که کشورهای دیگر، اتحاد شوروی را متهم و برجسپ بزنند، فکر کنیم آنگاه که ما را به تجاوز و غیره متهم نمایند.
  - 10 - وزارت دفاع اجازه خواهد داشت که دو فرقه را میان سرحد شوروی و افغانستان اعزام کند و سرانجام چنانکه در اینجا پیشنهاد شد، ضرور است که کشورهای سوسیالیستی را از تدابیری که ما پذیرفته ایم، آگاه سازیم. آیا کدام پیشنهاد دیگر هست، رفقا؟
- همگی: این همه چیز را در بر گرفته است.»

### صحبت تره کی با کاسیگین و سفر او به مسکو:

بر طبق تصمیم جلسه فوق فردای آنروز یعنی 18 مارچ کاسیگین بوسیله ترجمان با تره کی صحبت مفصل از طریق تلفون انجام داد که متن مکمل آن در ضمیمه سوم کتاب درج است. تره کی در این صحبت به تکرار از ضعف رژیم سخن میگوید

د پانوی شمیره: له 3 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

و از کاسیگین میخواد که شوروی با اعزام قوا رژیم را از فروپاشی و خطر سقوط نجات دهد. تره کی میگوید: «ما فکر میکنیم شام امروز یا صبح فردا هرات بدست دشمن می افتد... من از شما التجا میکنم که بما کمک کنید... ما میخوایم که تاجکها، از بکها و ترکمن ها برای ما فرستاده شوند... این مردم در افغانستان هم زندگی میکنند. بگذارید که لباس افغانی بپوشند، نشانهای افغانی بپوشند و آنوقت کسی آنها را خارجی تشخیص نخواهد کرد...» ولی کاسیگین در جواب میگوید: «ما در این باره باید مجلس کنیم و مشوره نمائیم... لیکن ما برایتان فوراً سلاح و طیاره اضافی میدهیم...» تره کی بار دیگر اصرار میکند: «این وقت زیاد را میگیرد، تا آنوقت هرات سقوط خواهد کرد».

کاسیگین متعاقباً نقاط عمده صحبت با تره کی و تقاضای مصرانه او را مبنی بر اعزام قوا به جلسه بیروی سیاسی حزب که به همان روز یعنی 18 مارچ دایر گردیده بود، به تفصیل گزارش داد. رونوشت این مجلس در یک سند رسمی بعداً در جمع اسناد آرشیف روسیه و آلمان شرقی انتشار یافت که چند مطلب عمده و مهم آنرا جهت معلومات مزید ذیلاً اقتباس میدارم:

**اندروپوف:** «رفقا، من تمام این مسائل را به دقت غور و بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که ما باید بسیار بسیار دقت کنیم. سوال اینست که اگر ما به افغانستان نیرو اعزام کنیم، از کی حمایت میکنیم؟ این مسئله کاملاً روشن است که در این وقت افغانستان قادر نیست در جهت رسیدن به سوسیالیزم تمام مشکلات خود را حل کند، اقتصادش عقب افتاده است، دین اسلام در آن کشور مسلط است و تقریباً تمام باشندگان دهات بیسواد اند. ما تعلیمات لینن را در باره شرایط انقلاب میدانیم، تمام شرایطی را که ما در افغانستان صحبت کردیم، از آن گونه شرایطی نیست. بنابر این من به این باور هستم که ما میتوانیم انقلابی را در افغانستان فرو نشانیم، لیکن به زور سر نیزه و این کار برای ما کاملاً غیر قابل پذیرش است. ما چنین خطری را قبول کرده نمیتوانیم»

**گرومیکو** با تائید گفتار کاسیگین افزود: «اردوی آنها قابل اعتماد نیست، لذا وقتی ارتش ما به افغانستان برود، ارتش مهاجم خواهد بود و در مقابل کی خواهد جنگید، واضحاً اولتر از همه در برابر مردم آنجا و باید به روی آنها آتش بگشاید... شرایط در افغانستان واقعاً برای انقلاب فرا نرسیده است... ما (از افغانستان) چه بدست خواهیم آورد؟ باین حکومت موجوده، با این اقتصاد عقب افتاده و با این وزنه ناچیز در امور بین المللی...» گرومیکو در ادامه گفت: «از سوی دیگر باید به خاطر بسپاریم که از نظر قانونی هم ما اعزام نیروهای خود را توجیه کرده نمیتوانیم. مطابق به منشور ملل متحد یک مملکت میتواند تقاضای کمک کند و ما به کشوری میتوانیم نیرو بفرستیم که معروض به تجاوز خارجی باشد. افغانستان معروض به تجاوز خارجی نبوده است. این یک مسئله داخلی (افغانها) است، یک مبارزه انقلابی داخلی، جنگ بین گروهی از مردم در مقابل گروهی دیگر و تصادفاً افغانها بطور رسمی از ما تقاضای اعزام نیرو نکرده اند...»

**کاسیگین** در این جلسه نظر خود را چنین خلاصه کرد و گفت: «شاید بهتر باشد تره کی را در اینجا دعوت کنیم و به او بگوئیم که ما کمکهای خود را به شما افزایش خواهیم داد، لیکن ما نیرو اعزام کرده نمیتوانیم زیرا آنها در برابر قشونی نمی جنگند بلکه بخشی از آن بسوی دشمن رفته اند و بخشی دیگر بی تفاوت نشسته اند و در انتظار می باشند، بلکه ما در برابر مردم خواهیم جنگید. اینکار اثرات منفی بزرگ به ما بار می آورد و در آن هیچ نکته مثبت بصورت کل وجود ندارد.» (دیده شود کتاب: افغانستان و اتحاد شوروی صفحه 86 تا 93)

بتاریخ 19 مارچ یعنی روز پنجم قیام که قوای رژیم نسبتاً بر اوضاع در هرات مسلط شده بود و شوروی خطر سقوط شهر بدست مردم را تاحدی مرفوع میدانست، بار دیگر بیروی سیاسی، البته این بار در حضور **لیونید برژنیف** تشکیل جلسه داد و موصوف تمام فیصله ها را که طی جلسات دو روز گذشته اتخاذ شده بود، تائید کرد و گفت: «طرح سوال اشتراک فوری نیروهای ما در مناقشه افغانستان که مورد بحث قرار گرفته است، از نظر من بیروی سیاسی بصورت درست تشخیص داده که وقت مناسب برای ما نیست در این جنگ گرفتار شویم. ما باید به رفیق تره کی و سائر رفقای افغان واضح سازیم که آنها را در رابطه به هر چیزی که فعالیتهای ما را در آن کشور به جریان اندازد، کمک میکنیم، لیکن دخالت نیروهای ما در افغانستان نه تنها ما را زیانمند خواهد ساخت، بلکه اولتر از همه ضرر آن متوجه خود آنها خواهد بود...»

در این جلسه **اوستینوف** آمادگی کشورش را در رابطه با اوضاع چنین بیان کرد: «اوضاع در هرات امروز اندکی بهتر است، شهر آرام است. البته لازم است کمکهای تکنیکی به آنجا بفرستیم و ما به پیمانانه زیاد خواهیم فرستاد. ما دو فرقه

د پانوی شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در ساحه نظامی ترکستان تشکیل می کنیم و یک فرقه هم در ساحه نظامی آسیای مرکزی. ما سه غنند داریم که میتوانیم آنها را در ظرف سه ساعت به افغانستان برسانیم. من این را به خاطر میگویم که البته برحالت آمادگی خویش تاکید ورزم. من هم مانند سایر رفا از نظریه اعزام نیرو به افغانستان حمایت نمی کنم. من اجازه میخوام که عملیات تکنیکی را در سرحد افغانستان اجرا کنیم و غندها و فرقه های نظامی را تشکیل کنیم. من باید بگویم که رهبری افغان هر قضیه را با بی کفایتی اجرا میکند و کارکردن برای مشاورین ما تحت چنین شرایط دشوار است.»

در پایان جلسه پرژنیف چنین هدایت داد: «رفیق تره کی فردا بیستم مارچ به اینجا آورده شود و مذاکرات توسط رفا هر یک کاسیگین، گرومیکو و اوستینوف با او صورت گیرد و سپس من او را خواهم دید.» (برای شرح مزید مراجعه شود به: اسنادی از آرشیف های روسیه و آلمان شرق: افغانستان و اتحاد شوروی، ترجمه: عبدالعلی نور احراری، هرات، 1383 - صفحه 93 تا 102)

به اساس همین هدایت تره کی بروز موعود (20 مارچ) به مسکو احضار شد و با سران فوق الذکر شوروی ملاقات کرد. در این روز که هرات دوباره بدست قوای حکومتی درآمده بود، فضای مذاکرات نیز از حالت پراضطراب قبلی بیرون شده و تاحدی شکل عادی را بخود گرفت و سخن از دوستی اتحاد شوروی و افغانستان بود، چنانکه کاسیگین در صحبت با تره کی گفت: «ما برای شما کمک کردیم و به کمک خویش ادامه خواهیم داد تا در برابر همه دشمنان تان بجنگید، چه آنها که اکنون برضد شما می جنگند و چه دشمنانی که در آینده با آنها برخورد خواهید کرد... ما بدین نتیجه می رسیم که تا مدت معین بهترین کمک را که به شما کرده میتوانیم از طریق تفوق سیاسی ما بر کشورهای همسایه و همچنان افزایش زیاد اندازه امداد ما خواهد بود...» در مقابل تره کی پس از اظهار سپاسگذاری فراوان گفت: «ما در افغانستان بر این باوریم که مشکلات جاری را باید اول از طریق سیاسی حل کرد و اقدامات نظامی باید خصوصیت فرعی داشته باشد. در عرصه سیاسی ما گامهای برداشته ایم و بدین نتیجه رسیده ایم که اکثریت مردم طرفدار ما می باشند. در ظرف یک روز پس از آنکه در رابطه به وقایع هرات در رادیو بیانیه دادم، به تعداد 102 مظاهره برپا شد و مظاهره کنندگان شعار های حمل می کردند که خمینی و نوکران او را محکوم می کردند. این امر ما را متقاعد ساخت که دشمنان داخلی ما زیاد نیستند...» تره کی علاوه کرد: «من فقط میخوام بر این مسئله تاکید کنم که ما دوست بودیم و به این دوستی خود ادامه خواهیم داد و ما هرگز با کسی چنین دوست نزدیک نبودیم که با شما هستیم. ما از لینن آموختیم و می کوشیم که از لینن بیاموزیم. ما از دستورات لینن به خوبی آگاهیم که چگونه روابط با کشورهای همسایه برقرار کنیم...» (برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به: اسنادی از آرشیف های روسیه و آلمان شرق... از صفحه 107 تا 122)

از تمام تشریحات فوق چنین نتیجه گرفته میشود که در آغاز قیام سران شوروی همه نگران سقوط رژیم در کابل بودند و از احتمال اعزام قوا برای نجات رژیم در تردد قرار داشتند، ولی بعداً پس از رفع خطر توجه را بیشتر به ارسال کمک های نظامی، اعزام مشاورین، آمادگی نظامی در سرحد افغانستان جهت اقدامات فوری و نیز سرزنش و تنبیه سران خلقی مبنی بر رفع اختلافات حزبی و مدارا با مخالفان و غیره مبذول کردند. بهر حال طوریکه وقایع بعدی نشان داد، تشدید اختلاف بین تره کی و امین که منجر به برکناری تره کی و قتل او توسط امین شد از یکطرف و ادامه قیام های مردمی در سرتاسر افغانستان و از همه مهمتر همکاری اردو با مردم که ناشی از انزجار روز افزون مردم از اعمال رژیم بود از طرف دیگر، همه عواملی بودند که 9 ماه بعد از قیام هرات شوروی برای نجات رژیم از خطر سقوط مجبور به حمله نظامی به افغانستان شد.

### مراحل چهارگانه پالیسی نظامی شوروی در افغانستان:

از کودتای 7 ثور 1357 (27 اپریل 1979) تا سقوط نجیب (8 ثور 1373 مطابق 28 اپریل 1992) که حکومت دست نشانده شوروی در افغانستان به نحوی حاکم بود، 9 سال آن که با موجودیت قوای متجاوز شوروی مرتبط میباشد، همه سالهای پر از مصیبت، ویرانی و خونبار تاریخ معاصر کشور تشکیل میدهد. در طول این سالها مداخله شوروی در چارمرحله به منصفه اجرا درآمد که هر مرحله آن به ذات خود یک نقطه چرخش خاص در پالیسی کلی شوروی در افغانستان محسوب میشود، به این شرح که:

**مرحله اول -** پس از کودتای ثور 1357 (27 اپریل 1978) شوروی افغانستان را در جمله کشورهای تحت نفوذ خود به حیث یک کشور «سوسیالیستی» حساب کرد و مطابق به دوکتورین پرژنیف خود را مکلف دانست تا رژیم دست نشانده را به هر قیمت که باشد، بقدرت نگهدارد. در این مرحله از اعزام مشاورین ملکی و نظامی تا ارسال مقادیر فراوان انواع اسلحه و کمکهای مالی دریغ نکرد تا

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

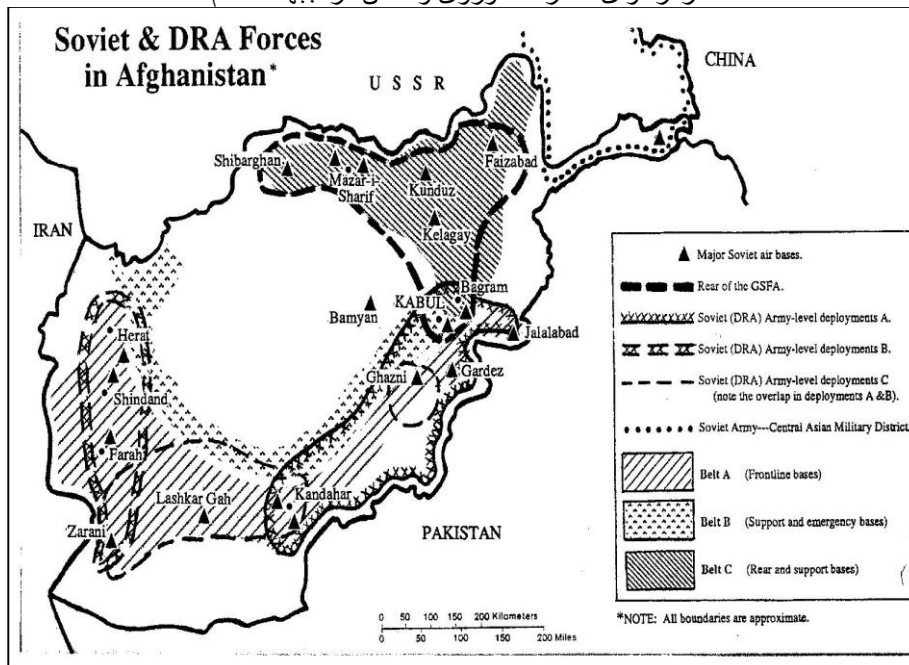
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ



بدانوسیله حکومت دست نشانده را در افغانستان مستقر سازد. قیامهای متواتر مردم بر علیه رژیم، بخصوص بعد از حادثه هرات و وقایع مهم دیگر قدم بقدیم رژیم را با خطر سقوط نزدیک کرد و شوروی ناگزیر به اعزام قوا گردید (26 دسمبر 1979). البته در این مرحله شوروی در نظر نداشت تا برای مدت مدید در افغانستان باقی بماند و فکر می کرد که به محض تحکیم پایه های رژیم، مسؤلیت را به افغانها گذاشته و قوای خود را بیرون کند. اما تهاجم قوای شوروی موج مقاومتها را شدت بخشید و شوروی را مجبور به تغییر پالیسی ساخت.

**مرحله دوم-** در طول سال 1980 برخورد ها در سرتاسر افغانستان در برابر قوای متجاوز چنان گسترش پیدا کرد که شوروی راه دیگر نداشت جز آنکه قوای خود را در افغانستان پابرجا نگهدارد و بر کمیت و کیفیت آن بیفزاید و هدف نهائی توسعه جویانه خود را فراتر از افغانستان به وسیله تمرکز و تقویه قوا دنبال کند. البته هدف طویل المده شوروی را میتوان در دو پلان خلاصه کرد: یکی هدف کلی، آنهم نفوذ کامل بر افغانستان و استفاده از آن به حیث تخته خیز بسوی بلوچستان و مناطق پشتون نشین ماورای سرحد و دیگر هدف قسمی یعنی پیش آوردن عملی «دوفاکتو» سرحدات شوروی تا کوه های هندوکش به شمول ادغام هرات به آن و در جنوب شرق ایجاد کشوری بنام پشتونستان متشکل از پشتونهای هر دو طرف دیورند و در عین زمان تلاش برای تاسیس یک دولت بلوچ تحت نفوذ شوروی. (بودانسی، یوزف: مقاله «عملیات نظامی شوروی در افغانستان»، بزبان انگلیسی در کتاب: «افغانستان - برگشت مجدد بازی بزرگ»، نیویارک، 1988، صفحه 272 تا 275)

تمرکز قوای مشترک شوروی و افغان در جبهات مقدم



به این منظور شوروی به ایجاد پایگاه های وسیع نظامی با تجهیزات بسیار مدرن هوائی و زمینی در داخل افغانستان پرداخت و سه کمربند سوق الجیشی را در آنجا به وجود آورد:

- اول - کمربند «جبهه مقدم»، شامل ساحات غربی، جنوبی و شرقی افغانستان در امتداد سرحد با ایران و پاکستان،
- دوم - کمربند حمایتی در عقب کمربند اولی،
- سوم - کمربند اکمالاتی در شمال و شمال شرق افغانستان.

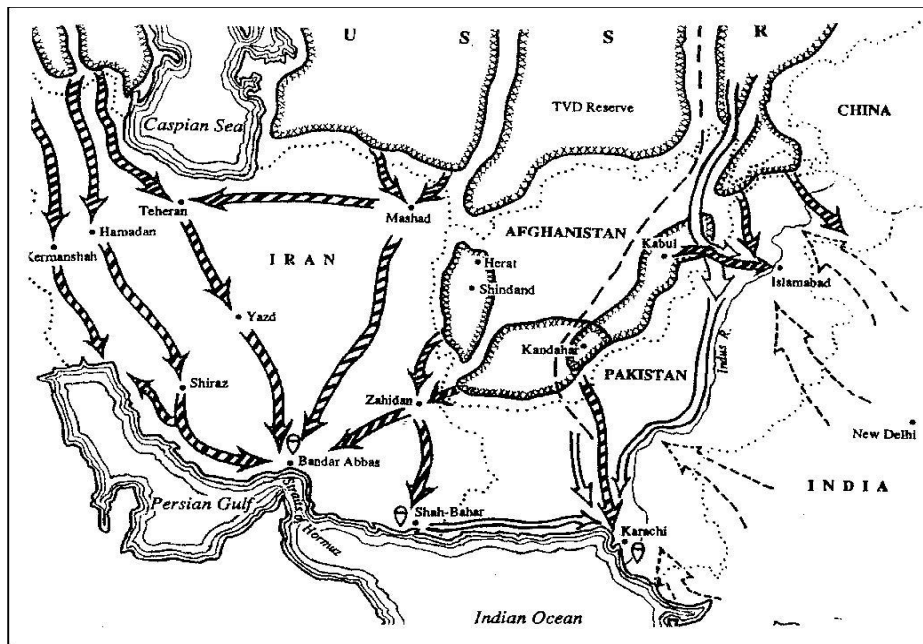
به اساس نقشه ای که توسط یوزف بودانسی (امریکائی) در زمینه تهیه شده است، ساحات هرات، شیندند، فراه و زرنج به حیث یک دهلیز بزرگ و مهم سوق الجیشی پنداشته شده و ترکمنستان (شوروی) را از شمال بطرف جنوب با سرحدات پاکستان و نیز بطرف غرب با سرحدات ایران وصل میکند که هدف بعدی شوروی را از طریق سیستان (زاهدان) به بندر «چاه بهار» در ایران بر آورده می

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

سازد. رسیدن به این محل در حقیقت نقطه آغاز دسترسی به آرزوهای دیرینه شوروی به آبهای گرم میباشد. (بودانسی، یوزف: "عملیات نظامی شوروی در افغانستان... - صفحه 268 و 270)



مسیر احتمالی دسترسی شوروی به آبهای گرم «بحر هند»

**مرحله سوم -** اواخر 1983 شوروی به یک واقعیت مهم، آنهم یک اشتباه بزرگ پی برد و ناگزیر شد از پالیسی توسعه جویانه و تهاجمی خود منصرف و بجای آن پالیسی دفاعی را در پیش گیرد، به این شرح که شوروی معتقد شد: افغانستان در واقعیت از نظر «انکشاف اجتماعی» به مرحله ای نرسیده است که آماده پذیرش و پرورش «سوسیالیزم» باشد. برعکس مردم این کشور در عمق دینداری و گریز از قبول افکار بیگانه قرار دارند. گسترش فعالیتهای جهادی در سرتاسر افغانستان بطور روز افزون و تقویه جبهات جهادی از طرف رقبای شوروی، بخصوص امریکا، خطر نفوذ بنیادگرایان اسلامی را در جمهوریت های آسیای مرکزی شوروی بیش از پیش قرین به واقعیت می سازد. لذا شوروی برای جلوگیری از این خطر مجبور شد حملات خود را بیشتر بر مواضع قوتیهای جهادی در افغانستان و سرکوبی جدی آنها متمرکز سازد. اینجاست که در سال 1984 شوروی بر شدت حملات خود علیه مجاهدین افغان در سرتاسر افغانستان بطور بی سابقه افزایش داد. بر علاوه شوروی برای جلوگیری از این خطر از سیاست «تفرقه اندازی» قومی و زبانی بین اقوام افغانستان بنام «ملیتهای» و در داخل هر قوم با تشکیل «ملیتهای قومی» مبادرت ورزید تا مقاومت را در داخل توسط خود افغانها تضعیف کند. (بودانسی، یوزف: "عملیات نظامی شوروی در افغانستان...، صفحه 237 تا 242)

**مرحله چهارم -** شوروی نظریه فشارهای داخلی ناشی از تشدید و ادامه جنگ در افغانستان پس از رویکار آمدن گوربچف و اتخاذ پالیسی «بازسازی» (پروستاریکا) و روش «آشکار ساختن حقایق» (گلاسنوست) در ماه می 1986 نجیب را بجای کارمل در راس حکومت کابل گماشت و تصمیم گرفت تا با ادامه مذاکرات در ژینوا (سوئیس) از طریق ملل متحد موضوع خروج قوا را از افغانستان در چارچوب یک موافقتنامه مطرح سازد. به اساس این موافقتنامه بتاريخ 15 می 1988 خروج قوا آغاز و بتاريخ 15 فبروری 1989 آخرین عسکر شوروی افغانستان را ظاهراً ترک کرد. در این مرحله البته قبل از خروج قوا و بعد از آن شوروی به یک سلسله اقدامات وقابوی (علنی و مخفی) برای حفظ و بقای رژیم کابل تشبث کرد، از جمله افزایش تعداد مشاوران در زمینه های ملکی و نظامی، تدارک تجهیزات پیشرفته دفاعی، کمکهای اقتصادی و مجبور ساختن رژیم به نرمش و جلب نظر مخالفان بنام «مصالحه ملی» و غیره که بررسی جزئیات آن در این مختصر نمی گنجد. (برای شرح مزید: کاظم، سید عبدالله: "زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد"، کابل 2005، صفحه 331 تا 335)

د پانوی شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

---

د پانډو شميره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ